

## 20 نکته در مورد شمارش واژه و تکواژ

1 - **شناسه ها**، تکواژ **وابسته** تصریفی اند (صرف می شوند) و در شمارش تکواژها یک تکواژ محسوب

می شوند. اگر شناسه به تنهایی به جای فعل هم بیاید در این صورت به عنوان **تکواژ آزاد** به حساب می آید: من اهل ایرانم؛ م یعنی هستم و یک تکواژ آزاد است. به همین دلیل است که «**ی**» **اسنادی** در فعل ربطی، یک واژه محسوب می شود. مثلاً «**ی**» در «**تویی** ← دو تکواژ (تو + ی)» «**ی**» اولی در «**تویی**» حرف میانجی است و در شمارش تکواژ به حساب نمی آید.

۲ - **تکواژ صفر / تهی (Φ)** نمود آوایی ندارد اما در شمارش یک تکواژ به حساب می آید؛ مانند «**است**» که ۲ تکواژ است. (گفته بود Ø شنیده است Ø + ، برو Ø + ، نرو)

**فعل های دوم شخص مفرد امر و تهی تکواژ تهی دارند ( / در ماضی مستمر سوم شخص مفرد ،**

دو تکواژ تهی داریم: داشت Ø می گفت Ø ، در واقع ما فعل یک تکواژی نداریم و هر فعل حداقل از دو تکواژ پدید آمده است.

3 - **نقش نمای اضافه (□)** یک واج، هم **یک تکواژ و یک واژه** است. نقش نمای اضافه (□) و حروف پیوند مثل «**و**» به تنهایی **یک واژه اند**.

۴ - «**برای**» یک واژه است و یک تکواژ؛ زیرا (□) زیر صامت «**ی**» متعلق به خود واژه است و نقش نمای اضافه نیست. برخی واژه های «**مثل**» و «**مانند**» را نیز چنین می دانند. «**از برای**» «**بدون**» «**بهر**»

5- گروه فعلی بر روی هم یک واژه به حساب می آید و ممکن است چندین تکواژ داشته باشد : « داشتند برمی گشتند ( 6 تکواژ ) ، خواهم رفت ( 3 تکواژ ) ، خوانده است ( 4 تکواژ ) ، می رفت ( 3 تکواژ ) و ... »

6- «ان» تکواژ گذرا ساز است. این تکواژ به بن مضارع بعضی از فعل های ناگذر افزوده می شود و آن را گذرا به مفعول می سازد ، همچنین به برخی فعل های گذرا . تکواژ گذرا ساز « ان » جمله های دو جزیی را به سه و سه جزیی را به چهار جزیی تبدیل می کند . برخی از مصدر ها مثل : شتافتن ، زیستن ، آسودن ، این تکواژ را نمی پذیرند.

7- افعالی مانند « دیده شده است و ... » با وجود داشتن فعل معین ( کمکی ) ساده اند ، چون بن مضارع آنها یک تکواژ است ← « بین » . چنین فعل هایی در شمارش واژه ها یک واژه به حساب می آیند ، چون افعال کمکی به تنهایی واژه نیستند.

8- واژه های « نیست ، باید ، شاید ، پهناور ، ادبیات » به ترتیب : « ۳ ، 2 ، ۲ ، ۳ ، ۳ » تکواژ اند . واژه ی شاید نیز مثل باید دارای دو تکواژ است.

9- ملاک تشخیص واژه های ساده از غیر ساده وضعیت امروزی آن هاست و اهل زبان پیشینه تاریخی زبان را در نظر نمی گیرند ، واژه های زیر ساده اند: تابستان ، زمستان ، دبستان ، ساربان ، خلبان ، شبان ، زرخدان ، ناودان ، خاندان ، سیاوش ، سهراب ، رستم ، تهمین ، شیرین ، دستگاه ، استوار ، بنگاه ، پگاه ، غنچه ، پارچه ، کلوچه ، کوچه ، مژه ، دیوار ، دیوانه ،

10- همان و همین « یک تکواژ به حساب می آیند ( تکواژ آزاد دستوری ؛ صفت اشاره ) . « هم چون و هم چنین و این چنین » به خاطر داشتن یک تکیه یک واژه و دو تکواژ اند ؛ « چنین » صرف نظر از دستور تاریخی ، فقط یک واژه و یک تکواژ است..

11- واج میانجی تکواژ به حساب نمی آید ؛ مثلاً صامت میانجی « ی » پس از تکواژ منفی ساز در افعالی که با مصوت آغاز شود:

افتاد ---- نیفتاد      آمد ----- نیامد

- گ در پرندگان ( پر - نده - ان )
- ک در نیاکان ( نیا - ان )
- ی در دانشجویان ( دان - ش - جو - ان )
- الف در نامه ای و خانه ای
- ج در سبزیجات
- ی در روستایی ، نامه ی احمد
- و در آهوان ( آهو - ان یا وان )
- ه در بهش ( ب - ش )
- د در بدان ( ب - ان )

12- افعال چه یک تکواژ باشند و چه چند تکواژ با هم یک فعل را تشکیل

می دهند : گفت ، گفته است ، گفته بود ، گفته شده بود ، گفته باشد ،

گفته شده باشد و ... هر یک تنها یک واژه هستند . و یا افعال مرکب با تمامی اجزا یک واژه محسوب می شوند : آوردن = یک واژه ، به دست آوردن ( به معنای کسب کردن ) = یک واژه ، به حساب آوردن = یک واژه ، کلاه برداری کردن = یک واژه ، کلاه به سر کسی گذاشتن و امثالهم نیز یک واژه محسوب

13 - تنوین تکواژ است . معمولاً ( معمول + ا )

14- در کلمات عربی « ه » تانیث و « ه » مصدر ها را تکواژ حساب نمی کنند.  
ضاله ، مقدسه

15- کلمه ی روان اگر به معنای جاری باشد دو تکواژ ( رو + ان ) و اگر به معنای روح باشد یک تکواژ است.

16- کسره ی اضافه و مواردی مثل حروف پیوندی مثل «و» و «ی» اسنادی که جزء تکواژ های آزادند ، در ظاهر معنی مستقلی ندارند ولی در ساختار جمله مفهوم پیدا می کنند.

17- اسم در کنار نشانه ی جمعش ، یک واژه محسوب می شود : کتاب ها ( یک واژه )

18- حرف ربط و حرف اضافه خود در حکم یک واژه اند:  
من دیروز یکی از دوستانم را در خیابان دیدم

19- فعل امر نیز سه تکواژ دارد : برو ) ب + رو ( Ø + به همین ترتیب است : نرو (3 تکواژ) ، هست ( دو تکواژ)

20- تکواژ های دو فعل مهم:

الف : خندانیدن : خند + ان + ید (ماضی ساز ) + ن  
ب : رسانده باشد : رس + ان + د + ه + باش + د